

ادامه از صفحه ۵

لیسانسه‌های ۲ ساخته سروش صحت دیگر سریال کمدی شبکه سه است که پس از موفقیت سری نخست آن ساخته شده است.



در این سری همچنان شخصیت‌های اصلی کار همچون حبیب، مازیار و... حضور داشته و ما شاهد ماجراهای هریک از آنها هستیم که در کنار آن خرده داستان‌هایی هم برای بسط و گسترش داستان طراحی شده است. صحت و نویسنده فیلمنامه‌اش شوخی‌های بامزای را در هر قسمت نوشته‌اند که برای مخاطب علاقه‌مند به این مجموعه جذاب جلوه می‌کند. هرچند که تعداد این شوخی‌ها و کیفیت آن نسبت به سری نخست تنزل داشته و آن را می‌توان جزو نقاط ضعف لیسانسه‌های ۲ قرار داد.

دلدادگان ساخته منوچهر هادی یکی دیگر از سریال‌های جذاب این شبکه به حساب می‌آید که در سه فاز ساخته شده و برای علاقه‌مندان ملودرام جذابیت‌های زیادی دارد.



در مرحله نخست با مردی به نام مالک آشنا می‌شویم که دستی هم در کار خیر دارد و خانه‌ای را برای اسکان افراد بی‌سرپناه اختصاص داده است. در فاز دوم به سال‌های پیش از انقلاب رفته و داستان مالک و نامزدش فرزانه را دنبال می‌کنیم که با پاپوش دوختن جوانی به نام نادر برای مالک، زندگی این دو از هم می‌پاشد. در فاز سوم بار دیگر به زمان حال آمده و با فرزانه‌ای مواجه می‌شویم که دخترش قصد ازدواج با پسر جوان مالک را دارد بی آن که مالک چیزی از هویت واقعی او بداند. دلدادگان با همه ضعف‌ها و قوت‌هایش از یک نظر قابل ستایش است و آن هم این که قصه‌اش را خوب و روان روایت کرده و مولفه‌های گونه ملودرام در آن کاملاً در نظر گرفته شده است. هادی در انتخاب بازیگرانش هم از طیف متنوعی سود جسته و آن را به یکی از نقاط قوت کارش تبدیل کرده است.

حوالی پاییز به کارگردانی حسین نمازی از دیگر سریال‌های شبکه سه سیمایا به حساب می‌آید که در گونه ملودرام ساخته شده و قصه آن از کلیشه‌های آشنا بهره فراوان گرفته است.



حسین نمازی که فیلمنامه این مجموعه تلویزیونی را براساس طرحی از معصومه بیات نوشته، قصه خود را از یک کارگاه تولیدی شروع می‌کند که به دلیل رکود بازار به مشکل خورده و کارکنان آن در حال تخلیه وسایل کارگاه هستند.

نمازی در همین قسمت نخست بحثی را باز کرده که مخاطب با آن تا حدودی آشنایی داشته و با این ترفند مخاطب را به سمت شخصیت‌های اصلی کار و مساله‌شان می‌کشاند. به موازات آن با زنی اهل عربستان (ساره) آشنا می‌شویم که سال‌ها پیش با عروس خانواده (شیرین) دوست و همکلاسی بوده و حال در تلاش برای گرفتن تابعیت ایران است. آمدن او نزد شیرین که در یک خبرگزاری کار می‌کند، سرنوشت ساره را به خانواده پروین گره می‌زند. خانواده‌ای که پسر کوچک ترشان (مهران) زمانی به ساره علاقه‌مند بوده و حال نمی‌خواهد او را از دست بدهد. سفر مهران و سامان به حج واجب و دو حادثه پیش آمده در آن ایام (سقوط جرثقیل روی حجاج و دیگری فاجعه منا در روز عید قربان که به کشته شدن بیش از ۲۰۰۰ نفر از کشورهای مختلف انجامید)، قصه حوالی پاییز را وارد فاز تازه‌ای کرده و نقطه عطف خوبی را رقم می‌زند. این که آیا مهران و سامان هم جزو شهدای منا هستند یا خیر، در کنار تعلیق خوب فضای تلخی را هم بر کلیت آن حاکم کرده و مخاطب را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

بانوی عمارت به کارگردانی عزیزا... حمیدنژاد را می‌توان پربیننده‌ترین سریال نیمه دوم سال شبکه سه لقب داد که قصه جذاب و پرفراز و فرودش نقش مهمی در این امر داشته است.



قصه‌ای عاشقانه در دوران قاجار که قهرمانش (شازده ارسلان میرزا) بسیار خوب و پذیرفتنی از کار درآمد و مخاطب را تا آخر با خود همدل و همراه می‌سازد. در نقطه مقابل او پسرعمویش (جهانبخش میرزا) قرار گرفته که شخصیتی کاملاً خاکستری است که در قسمت پایانی تقابلی دیدنی میان او و شازده ارسلان میرزا شکل می‌گیرد.

حمیدنژاد در نخستین مجموعه تلویزیونی‌اش نشان داده که قاب تلویزیون را به خوبی می‌شناسد در عین حال در دکوپاژ فیلمنامه‌اش کاملاً به اصول سینما وفادار مانده است. به همین خاطر این مجموعه تلویزیونی کاملاً شکیل و خوش آب و رنگ از کار درآمد و مخاطب را برای تماشای ادامه‌اش وسوسه می‌کند.

لحظه گرگ و میش به کارگردانی همایون اسعدیان آخرین سریال شبکه سه در سال جاری به حساب می‌آید که به‌تازگی روی آنتن رفته و توانسته مخاطبان پروپاقرصی برای خود دست و پا کند.



ملودرامی براساس یک خانواده که زندگی‌شان با جنگ تحمیلی گره خورده و مخاطب را به خوبی با شخصیت هایش درگیر می‌کند. قهرمان سریال دختر جوان دانشجوی پزشکی است که برادرش در جبهه شهید

شده و زندگی پرفراز و نشیبی را تجربه می‌کند. در کنار این قصه اصلی، داستانک‌هایی هم وجود دارد که قصه را در عرض گسترش داده و مخاطب را بیشتر با خود همراه می‌کند. همچنین حضور بازیگرانی همچون فاطمه گودرزی، شهره سلطانی و... نیز به هرچه بهتر دیده شدن این سریال کمک شایانی کرده است.

شبکه پنج

این شبکه هم به روال سال‌های اخیر خود ساخت تعدادی از مجموعه‌های تلویزیونی را در دستور کار خود قرار داد. مجموعه تلویزیونی نوروزی این شبکه، **هیات مدیره** به کارگردانی مازیار میری است که پانزده قسمت آن در ایام نوروز روی آنتن رفته و الباقی آن نیز تا نیمه اردیبهشت ماه سال جاری پخش شده است.



یک سریال آپارتمانی تمام عیار که بخش زیادی از آن در واحدهایش گذشته و یک زوج جوان محوریت آن را به‌عهده دارد. هر قسمت از سریال هم یک داستان مجزا دارد که به نوعی با زوج جوان اشاره شده پیوند می‌خورد. چیزی که این سریال را تا حدود زیادی از هدف اولیه‌اش دور کرده و به نوعی آن را از نفس انداخته، داستانک‌های بی‌رمق و قابل پیش‌بینی‌اش است که با کم لایه بودن شخصیت‌های اصلی کار همراه شده و پاشنه آشیل سریال را رقم زده است. همچنین باید به حضور احسان کرمی هم در نقش اصلی هیات مدیره اشاره کرد که در قالب نقش جان‌فثاده و یکی از نقاط ضعف بزرگ کار به حساب می‌آید.

سارق روح ساخته احمد معظمی دیگر سریال این شبکه در سال نود و هفت به حساب می‌آید که به موازات پخش در این شبکه روی آنتن شبکه سه نیز رفته است.



سریالی با وجوه معمایی که نادر عابدی بازنشسته وزارت اطلاعات و استاد دانشگاه نقش محوری آن را به‌عهده دارد.

فردی باهوش که دوباره به محل کار خود بازگشته تا گره‌های پرونده‌ای را باز کند که محور آن گروه‌های شبه عرفانی و حلقه‌های نزدیک به آن است. ریتم مناسب در کنار برخورداری از قصه‌ای جذاب را می‌توان از نقاط قوت سارق روح به حساب آورد که برای طیف‌هایی از مخاطبان جذابیت‌های بسیار داشته است. دانیال حکیمی با به سن گذاشته نیز انتخاب خوبی برای ایفای نقش نادر عابدی است که مخاطب برای همذات‌پنداری با وی کار مشکلی پیش روی خود ندارد.

همچنین پیش‌تولید فصل دوم این سریال از فروردین سال آینده آغاز می‌شود.